

## بیم ها و نگرانی های بزرگ پیامبر(ص)



مثل هر باغبان دلسوز و زحمت کشیده ای که عمر خود را پای نهال ها و بذرهايش گذاشته و در سال های پیری، نگران باغ پس از خویش است، پیامبر رحمت و معلم بشریت حضرت رسول(ص) نیز، در سال های آخر عمر، نگران وضع امت پس از رحلت خویش بود.

نگرانی های پیامبر(ص)، در زمینه های مختلف بود، چرا که آفت ها و عارضه هایی که دامنگیر انسان می گردد، متفاوت است. رسول خدا(ص) در آن سال ها، نگرانی خویش را نسبت به وقوع آنها ((پس از خویش))، ابراز داشته و آنها را پیش بینی کرده است.

برخی از این موضوعات نگران کننده، حاکی از نوعی ((رجعت)) در امت مسلمان است، یعنی کم رنگ شدن ارزش های الهی و اسلامی و احیای دوباره معیارهای جاهلی و سر برآوردن خوی و خصلت های غیر انسانی، که به برکت اسلام، قطع شده بود و در عصر پس از رسول، بار دیگر جان گرفت و معیارها را برهم زد. این نوع رجعت به جاهلیت، که از نگرانی های عمده آن حضرت است، برای هر مصلحتی که با رهبری خویش، امتی و فرهنگی و نظامی پدید آورده باشد، وجود دارد، چرا که نسل دوم و سوم در يك حرکت انقلابی و نهضت اصلاحی، اغلب دارای آن روحیات، باورها، انگیزه ها، شناخت های عینی و تجربه های محسوس ((انقلابیون اولیه)) و ((سابقون)) نیستند و زمینه سیر فقهقراایی و بازگشت به شرایط پیش از تحول و نهضت، در آنان فراهم تر است و دشمنان هم از همین ((زمینه))ها بهره می گیرند و به دگرگون سازی ((فرهنگ انقلاب)) می پردازند.

اینک مروری بر نگرانی های رسول خدا(ص) می کنیم، تا دستمایه عبرت و الهام برای امروز ما باشد.

### 1. سرنوشت رهبری

برای رسول خدا به عنوان ((رهبر))، تداوم ((راه)) بسیار مهم بود. فلسفه سیاسی اسلام نیز قالب ((امامت)) و ((وصایت)) را برای تداوم راه پیامبر و استمرار حاکمیت اسلامی پس از رحلت آن حضرت، پیش بینی کرده بود. بارها و بارها آن حضرت، نسبت به جانشینی خویش و وصی خود، سخن گفته، رهنمود داده و تکلیف را معین کرده بود. اما صریح ترین و اساسی ترین و به یادماندنی ترین شکل آن اعلام و تعیین، حادثه ((غدیرخم)) بود، آن هم با فرمان صریح و قطعی خداوند که حکم پروردگار را به مردم ابلاغ کند. نزول آیه (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک...)(1) در این راستا بود، اما رسول خدا(ص) بازهم بیمناک از پیامد این اعلام، و نگران از واکنش مردم نسبت به آن بود، چون رگ و ریشه های جاهلی بازمانده در فکر و دل برخی از اصحاب را می شناخت و کمی تأمل و درنگ نسبت به اظهار و ابلاغ آن پیام داشت.(2) تأکید آیه بر این که ((خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند؛ والله یعصمک من الناس)) اشعار به همین دلواپسی های پیامبر خدا دارد.

پیامبر(ص) نسبت به این که قریش، پس از رحلت آن حضرت با علی(ع) و مسأله خلافت چه خواهند کرد و مظلومیت این خاندان و کنار زدن امیرمومنان از صحنه سیاسی و حق قطعی و مشروعیش، بارها اظهار نگرانی کرده بود و وقایع بعدی را به حضرت علی(ع) یادآور شده بود. آن پیامبر دلسوز و آینده نگر، پیش بینی می فرمود که فاسقان و طغیانگران قریش، علی(ع) را مظلوم سازند(3) و به آن حضرت چنین ابراز می کرد که: بیم آن دارم که اگر بر سر خلافت و حق خویش با آنان به کشمکش بپردازی و منازعه کنی، تو را بکشند.(4) و می فرمود: ((امالتی اخافها علیه، فغدیرقریش به من بعدی؛(5) آنچه بر او نسبت به آن بیم دارم، آن است که قریش پس از من با او از در نیرنگ و حيله در آیند.))

و... دیدیم که نگرانی حضرت رسول به جا بود و مظلومیت و محرومیت 25 ساله امیرالمومنین از حق خویش، شاهدش.

### 2 . مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام)

کینه های قریش نسبت به بنی هاشم و پیامبر و عترت او، از بین رفتنی نبود. پیامبر هم با چشم بصیرخویش، آینده و مظلومیت خاندانش را می دید و بارها با علی(ع) و زهرا(س) در این باره سخن گفته و خون گریسته بود. از سخنان اوست که: ((ایکی لذریتی و ما تصنع بهم شرار امتی من بعدی)) (6)

علی(ع) می فرماید: کنار پیامبر خدا نشسته بودیم. حضرت سر بر دامن من گذاشته بود و چشمانش در خواب، سخن از دجال می گفتیم و بیم از اغواگرهایش، که پیامبر بیدار شد و با چهره ای برافروخته فرمود: بیش از دجال، بر شما از غیر دجال بیمناکم. بیم من از پیشوایان و زمامداران گمراه گر و ریخته شدن خون خاندانم پس از من است.(7)

این نگرانی‌ها را حتی در زمان خویش نسبت به مکر و دشمنی یهود با عترتش نیز داشت. در واقعه گم شدن امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در دوران کودکی و نگرانی پیامبر و حضرت زهرا (س) نسبت به جان آن دو فرزند عزیز و یافته شدن آن دو از زیر درختی در باغ ابی دحداح، پیامبر نگرانی و بیم خویش را از کید یهود نسبت به جان حسن و حسین (علیهما السلام) ابراز فرمود. (8)

این رشته، بسیار دراز دامن است و به همین اشاره بسنده می‌کنیم.

### 3 . هواپرستی امت

بیشترین نقل‌های روایی درباره نگرانی پیامبر، نسبت به همین موضوع است، یعنی عارضه تبعیت از هوای نفس و در سرپروراندن آرزوهای دور و دراز، که نشانه وابستگی به دنیا و مظاهر آن است، نتیجه طبیعی این دو بیماری اخلاقی، دور شدن از حق و فراموش کردن قیامت است و همین، برای سقوط یک فرد یا امت کافی است.

این نگرانی با تعابیر متفاوت و متواتر نقل شده که به چند نمونه اشاره می‌شود:

((ان اخوف ما اخاف علیکم اتباع الهوی و طول الامل، اما اتباع الهوی فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره(9); آنچه که بیش از هر چیز بر شما بیم دارم، پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز است؛ هواپرستی، [آدمی را] از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد انسان می‌برد.))

این مضمون با عباراتی شبیه همین، از حضرت علی (ع) و امامان دیگر نیز نقل شده است.

پیامبر خدا (ص) در سخنی دیگر فرموده است:

((شر ما اتخوف علیکم اتباع الهوی و طول الامل، فاتباع الهوی یصرف قلوبکم عن الحق و طول الامل یصرف همکم الی الدنیا... (10); بدترین چیزی که بر شما بیمناکم، پیروی از هوای نفس و طول آرزوست؛ هواپرستی، دل‌هایتان را از حق برمی‌گرداند و آرزوی دراز، همت‌های شما را به دنیا مصروف می‌سازد...))

### 4 . دنیا زدگی

نگرانی دیگر پیامبر آن بود که با دست یافتن مردم به مال و ثروت و چشیدن شیرینی دنیا، دل‌های آنان دنیا زده شود و از ارزش‌ها دست بشویند و در کسب‌ها و در آمدها مراعات حلال و حرام ننمایند و هدفشان انباشتن ثروت و افزودن مکنث باشد، از هر راه که باشد. نتیجه این دنیا زدگی، فراموشی خدا و آخرت و در نهایت، سقوط اخلاقی است و دور شدن از ساده زیستی و گرفتاری در دام تجملات.

حضرت رسول (ص) می‌فرماید:

((لکنی اخاف ان یفتح علیکم الدنیا بعدی فینکر بعضکم بعضا و ینکرکم اهل السما عند ذلك (11) بر شما از آن بیم دارم که پس از من دنیا به روی شما گشوده شود (و به دنیا و ثروت برسید).) آنگاه یکدیگر را نشناسید! آن وقت است که آسمانیان هم شما را نشناسند.

و در بیانی دیگر چنین می‌فرماید:

((ان اخوف ما اتخوف علی امتی من بعدی هذه المکاسب المحرمه و الشهوه الخفیه و الربا (12) بیشترین بیمی که بر امت خودم پس از خویش دارم، این کسب‌های حرام و در آمدهای نامشروع و شهوت پنهانی و رباست.))

سرمستی مال و طغیان ثروت، خیلی‌ها را بر زمین می‌زند و بسیاری از مدعیان ایمان، از ((آزمایش پول)) موفق بیرون نمی‌آیند و پای اراده‌شان در لغزشگاه مال دنیا می‌لغزد و به عیاشی و بی‌دردی مبتلا می‌شوند. این نگرانی را رسول خدا (ص) در ذیل چند نگرانی دیگر بیان کرده و این گونه اشاره فرموده است: ((او یظهر فیهم المال حتی یطغوا و یبطروا (13) بیم آن دارم که... یا ثروت در میان آنان آشکار شود، تا آن جا که به طغیان و سرمستی برسند.))

و در حدیث دیگری تعبیر ((او دنیا تقطع رقابکم...)) (14) آمده است، ((دنیاپی که گردن‌های شما را قطع می‌کند.))

حوادث پس از رحلت پیامبر و مسابقه برخی از امت او در زراندوزی و دنیا طلبی و روی آوردن به کآخ و تجملات و عیش و نوش و... شاهدهی بر درستی نگرانی رسول خدا از آینده امت خویش است.

### 5. فتنه و گمراهی

به هم آمیختن حق و باطل و آشفته ساختن مرزها و معیارها و زیر پا گذاشتن اصول و انکار مسلمات دین، موجب می شود عده ای از هدایت دست بشویند و گمراه شوند. در این جا نقش آنان که کار فکری می کنند و با افکار و اندیشه های مردم سروکار دارند، حساس تر است.

داناان و دانشمندان، همچنین زمامداران و مسئولان نیز درگمراه شدن مردم نقش دارند و اگر بلغزند، جامعه را به اشتباه و لغزش می اندازند. در این زمینه ها به چند حدیث اشاره می کنیم:

آن حضرت فرمود:

((انما اخاف علی امتی الاثم المظنون...؛ (15) بر امت خویش، از زمامداران گمراه کننده بیمناکم.))

و فرمود: ((انی اخاف علیکم استخفافا بالذین و بیع الحکم و قطیعه الرحم و ان تتخذوا القرآن مزامیر، تقدمون احدکم و لیس یافضلکم؛ (16) بر شما از آن بیم دارم که دین، سبک شمرده شود؛ حکم و داور، خرید و فروش شود؛ پیوندهای خانوادگی از هم بگسلد؛ قرآن را وسیله ساز و آواز قرار دهید و کسانی را جلو بیندازید که برترین شما نیستند.))

در حدیثی دیگر، نگرانی پیامبر خدا از لغزش عالمان و مجادله منافقان با قرآن و دنیاطلبی بیان شده است و این که در این سه مورد، انسان باید خود را متهم بداند و از این لغزش گاه ها مصون و در امان نیندارد. (17)

همچنین گمراهی پس از هدایت، فتنه های گمراه کننده، شکم و شهوت، از عوامل دیگر نگرانی آن حضرت به شمار آمده است، آن جا که می فرماید:

((ثلاثة اخافهن علی امتی من بعدی: الضلالة بعد المعرفة و مصلات الفتن و شهوه البطن و الفرج)) (18)

در حدیثی سه خصلت دیگر موجب نگرانی حضرت رسول بیان شده است: یکی آن که قرآن را به غلط تاول کنند و معانی و تفاسیر آن را نادرست و به دلخواه و مطابق سلیقه و گرایش خود معنی کنند، دیگر آن که در پی لغزش عالمان باشند تا از رهگذر مطرح ساختن اشتباهات علماء، به فتنه گری و تشویش اذهان بپردازند، سوم آن که با فراوان شدن مال و ثروتشان دچار اسراف و اتراف و طغیان و خوشگذرانی شوند. و اینک متن حدیث:

((انما الخوف علی امتی من بعدی ثلاث خصال: ان یتاولوا القرآن علی غیر تاولیه او یتبعوا زله العالم، او یظهر فیهم المال حتی یطغوا و یبطروا...)) (19)

6. سلطه و نفوذ منافقان

همیشه بزرگ ترین خطر برای هر نهضت و انقلاب، یا مکتب و آیین، تحركات عناصر نفوذی بیگانه به داخل مجموعه های خودی و انقلابی بوده است. نفاق، همزبانی و همراهی ساختگی دروغین کسانی با امت اسلام است که در دل، هیچ عقیده ای به میانی و ارزش ها ندارند و با زبان بازی و زرنگی و همزبانی ظاهری، خود را داخل نیروها جا می زنند و از پشت ضربه می زنند.

رسول خدا(ص) در طول دوران حکومت در مدینه، با پدیده منافقان دست به گریبان بود، و عمیق تر آن که کسانی در زمره اصحاب و همراهان او بودند که در دل عقیده ای به دین و رسالت نداشتند، اما با گفتن شهادتین و شرکت صوری در نماز و برنامه های دیگر، خود را در صفوف مسلمانان جا زده بودند و پس از رسول خدا، برای اعاده جاهلیت و شرک، به دست و پا افتادند و فتنه گرها کردند.

نگرانی رسول خدا از این دشمنان خوش خط و خال اما زهرآگین بود، نه از مومن یا کافر، که ایمان یا کفر خویش را به صراحت اظهار می کردند.

فرموده است: ((ولکنی اخاف علیکم کل منافق حلواللسان...؛ (20) از منافق شیرین زبانی بر شما بیمناکم که حرف هایش برایتان آشناست، ولی عمل و رفتارش به گونه ای است که نمی شناسید.))

در حدیث دیگر، صریح تر بیان فرموده است:

((انی لا اتخوف علی امتی مومنا و لا مشرکا، فاما المومن فیحجزه ایمانه و اما المشرك فیقمعه کفره، ولكن اتخوف علیکم منافقا علیم اللسان، یقول ما تعرفون و یعمل ما تنكرون؛ (21) من هرگز بر امت از سوی مومن و مشرک بیمناک نیستم؛ مومن را ایمانش باز می دارد و مشرک را کفرش ریشه کن می سازد. لیکن نگرانی و بیم من بر شما از سوی منافق دانا زبان است که می گوید آنچه را می شناسید و عمل می کند آنچه را نمی شناسید.))

چنین منافقانی که مجهز به دانش دین و آشنا به زبان انقلاب اند، در پیکره امت اسلامی نفوذ می کنند و به نام دین حرف می زنند و عمل می کنند و از درون ضربه می زنند. چنین کسانی پس از پیامبر خدا، بر سرنوشت دین و دنیا و حکومت و خلافت مسلط شدند و اوج آن، استیلای امویان بر خلافت اسلامی بود که پس از قدرت یافتن، کفر درونی خویش را آشکار ساختند و ضربه های جبران ناپذیر زدند. معاویه و یزید را از بارزترین آنان می توان شمرد.

نگرانی رسول خدا از نقش منافقان، هشدار برای فرزندان انقلاب و مسلمانان آگاه است که نامحرم را به حریم نظام اسلامی راه ندهند و فریب چهره های انقلابی نما و حرف ها و شعارهای فریبنده را نخورند که آنچه می گویند، تنها در نوك زبان است، نه در ژرفای دل و عمق باور.

## 7 . جعل و نسبت های دروغ

دروغ بستن به رسول خدا(ص) هم در زمان حیات آن حضرت بود و آزارش می داد که کسانی حرف هایی را به دروغ از قول حضرتش نقل می کردند، هم نسبت به آینده و پس از وفاتش نگران آن بود که هرکس هرچه را می خواهد به او نسبت دهد و حاکمان برای توجیه مفاسد خویش یا کوبیدن هرکس و هرچیزی، به حدیثی ساختگی از زبان پیامبر، تمسك جویند.

پیامبر، کسانی را که به او دروغ بندند، نفرین و لعنت کرده است و وعده دوزخ بر ایشان داده است.(22)

از جمله در خطابه بلیغ و تاریخی خویش در ((حجه الوداع))، که بسیاری از گفتنی ها، توصیه ها، هشدارها و نگرانی ها را بیان نمود، چنین فرموده است:

((قد كنت على الكذابة و ستكتر، فمن كذب على متعمدا فليتبوا مقعده من النار؛(23) دروغ بستن بر من بسیار شده و در آینده هم افزایش خواهد یافت. پس هرکس به عمد، بر من دروغ بندد، جایگاهش را در آتش دوزخ فراهم سازد.))

شگفتا که این خطر و این جنایت، در زمان ما نیز وجود دارد و حضرت امام خمینی(ره) نیز این نگرانی را نسبت به آینده داشتند، از این رو در صفحه آخر وصیت نامه سیاسی، الهی خویش به صورت تذکر افزودند: ((اکنون که من حاضر، بعضی نسبت های بی واقعیت به من داده می شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض می کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می شود، مورد تصدیق نیست، مگر آن که صدای من یا خط من و امضای من باشد، یا تصدیق کارشناسان، یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.)) (24)

جالب است که رسول خدا(ص) نیز برای تشخیص صحت یا نادرستی آنچه از قول او در آینده نقل می شود، معیار ارائه فرموده و آن، ((عرضه بر کتاب خدا)) است تا هرچه که مخالف قرآن کریم باشد، از اعتبار ساقط شود.

## 8 . تکذیب تقدیر و تصدیق نجوم

از نگرانی های رسول خدا(ص) در زمینه سست شدن ایمان ها و عقیده های توحیدی، آن بود که مردم بتدریج به نقش خدا و تقدیرات الهی در حوادث، کم اعتقاد شوند، برعکس به آنچه منجمان و ستاره شناسان می گویند، دل بندند و تدبیر و برنامه ها و تصمیم های خود را براساس علم نجوم تنظیم کنند. در حدیث های مکرری این نکته مطرح شده است، از جمله:

((اخاف على امتي خصلتين: تكذيبا بالقدر و تصديقا بالنجوم)) (25)

((ان اخوف ما اخاف على امتي، التصديق بالنجوم و التكذيب بالقدر و ظلم الامه)) (26)

در حدیث دوم، ((ظلم به امت)) نگرانی و بیم دیگری است که افزوده است.

در حدیثی هم از سه نکته اظهار نگرانی فرموده است: یکی از ستم و تعدی حاکمان و مسئولان در حق مردم، دیگری تکذیب تقدیرات الهی و سوم باران طلبیدن از ستاره ها و حرکت نجوم؛ یعنی به جای آن که خدا را منشأ برکت آسمان و نزول باران بدانند و از او آب و باران بطلبند، این برکت را از ستاره ها و جهش و سقوط آنها بدانند. این باور در جاهلیت وجود داشت، رسول خدا بیم آن داشت که روآوردن به ستاره به جای خدا بار دیگر زنده شود و عقیده توحیدی خلل پذیرد. اینك متن حدیث نبوی:

((اخاف على امتي ثلاثا: استسقا بالانوار و حيف السلطان و تكذيبا بالقدر)) (27)

اینها برخی از نگرانی های حضرت محمد(ص) بود که نسبت به آینده امتش و در دوره پس از خودش داشت و به تناسب آنها، هشدار می داد و موعظه می کرد.

دامنه این بحث را می توان گسترده تر از این قرار داد. آنچه خواندید، گذری شتابان از این وادی بود و در استخراج احادیث، عمدتا به يك منبع (بحارالانوار) استناد شد، و گرنه سخن بسیار است و نگرانی های حضرت رسالت نیز، فراوان.

پی نوشت ها:

1. مائده / 67.
2. بحارالانوار، ج 37، ص 170.
3. همان، ج 39، ص 342 و ج 85، ص 89.
4. همان، ج 33، ص 153.
5. همان، ج 39، ص 76 و ج 40، ص 29 و 35.
6. عوالم العلوم، حضرت زهرا(س)، ص 392.
7. بحارالانوار، ج 28، ص 48.
8. همان، ج 43، ص 313.
9. همان، ج 32، ص 355.
10. همان، ج 74، ص 117، 188، 293 و 296 و ج 2، ص 106.
11. همان، ج 79، ص 137.
12. همان، ج 70، ص 158 و ج 100، ص 54.
13. همان، ج 69، ص 63.
14. همان، ج 70، ص 92.
15. همان، ج 28، ص 32.
16. همان، ج 69، ص 227، ج 71، ص 92 و ج 76، ص 243.
17. همان، ج 2، ص 49.
18. همان، ج 22، ص 451، ج 10، ص 368 و ج 68، ص 269.
19. همان، ج 2، ص 42 و ج 69، ص 63.
20. همان، ج 33، ص 588.
21. همان، ج 2، ص 110 و ج 33، ص 549 و 582.
22. اضواء علی السنه المحمديه، محمود ابوريه، ص 62.
23. سفینه البحار، ج 7، ص 456.
24. ر.ك: وصیت نامه سیاسی، الهی امام خمینی(ره)، تذکرات پایانی.
25. بحارالانوار، ج 55، ص 277.

